

مقدمه

این فصل تحلیلی از نقش اتحادیه‌ی اروپا (EU) در مورد مسئله‌ی کوردهای ایران را ارائه می‌دهد. ابتدا در مورد اهمیت استراتژی سیاسی ایران در اتحادیه‌ی اروپا و در همان زمینه در مورد عامل کوردی بحث خواهد شد. در بخش بعدی طرح‌ریزی منافع مشترک اتحادیه‌ی اروپا در رابطه با کوردهای ایران به دقت بررسی می‌گردد و سپس ارزیابی نقش اتحادیه‌ی اروپا مطرح می‌شود. همزمان با در نظر گرفتن پیچیدگی مسئله‌ی کوردی و در هم تنیدگی شماری از بازیگران (بیرونی) قدرت، پذیرش مسئله‌ی کوردهای ایران در اتحادیه‌ی اروپا مورد بررسی قرار می‌گیرد. سرانجام این فصل، ارزیابی‌هایی از عملکرد اتحادیه‌ی اروپا و موثر بودن نقش آن به صورت تاثیر طولانی مدت را دربرمی‌گیرد. با توجه به ترتیب زمانی تجربی این فصل بر پیشرفت‌های نقش اتحادیه‌ی اروپا تمرکز خواهد داشت.

کوردهای ایران سومین گروه اقلیتی (پس از فارس‌ها و آذری‌ها) را تشکیل می‌دهند و تخمین زده شده است که ۱۰٪ الی ۱۲٪ از کل جمعیت ۸۴ میلیون نفری ایران در سال ۲۰۲۰ را شامل می‌شوند^{۱۱}. کوردها اکثراً در شمال غربی ایران، در مجاورت شمال شرقی عراق و جنوب شرقی ترکیه زندگی می‌کنند^{۱۲}. جدای از مسئله‌ی اتنیکی به لحاظ اعتقادی نیز تفاوت دیگری میان کوردها و گروه حاکم یعنی فارس‌ها که جزو مسلمانان شیعه هستند وجود دارد. همچون سایر اقلیت‌های کورد در مناطق دیگر، سازمان‌های سیاسی کوردی در ایران آسیب دیده‌اند. برخلاف ترکیه و سوریه دولت ایران وجود کوردها را بازشناسی کرده و استانی با نام رسمی

”کوردستان“ وجود دارد. با این حال همچون موقعیت کوردهای سوریه و ترکیه، کوردهای ایران از حقوق اولیه‌ی فرهنگی و سیاسی محروم گشته‌اند. نمایش نمادهای کوردی مانند پرچم یا سرود ملی کوردستان به شدت از سوی رژیم اسلامی ممنوع شده است و استفاده از زبان کوردی در آموزش به لحاظ قانونی ممنوع می‌باشد. علاوه بر اینها دولت مجوز برپایی احزاب سیاسی وابسته به فرقه‌های اتنیکی را از بیم سربرآوردن جدایی‌طلبان صادر نمی‌کند. خودنمایی سیاسی کوردها عمدتاً از طریق نمایندگان مجلس ایران (که قبلاً با نام مجلس شورای اسلامی شناخته شده بود) انجام می‌گیرد که اکثراً از قبل توسط نمایندگان امنیتی دولت همچون سازمان اطلاعاتی ایران (اطلاعات) تایید و انتخاب شده‌اند. هیچ گونه سیستم سهیم در مجلس وجود ندارد تا از حضور اقلیت‌های اتنیکی و مذهبی ایران اطمینان حاصل کند و این مسئله باعث شده است تا کوردها به شکل عمده در حکومت ایران نماینده‌ی واقعی نداشته باشند (UNPO، 2014). در نتیجه موقعیت بغرنج کوردها به صورت مناسب شناخته شده نیست. تنها روزنه‌ی حضور سیاسی در کنار تفرقه‌های درونی کوردها باعث شده تا کوردهای ایران هیچ نماینده‌ی واقعی نداشته باشند. در نتیجه‌ی این امر ارتباط با کوردها و آگاهی از مسئله‌ی کوردی اگر غیر ممکن نباشد بسیار چالش برانگیز شده است. با این وجود در چهار دهه‌ی اخیر شاهد افزایش آگاهی در رابطه با موقعیت کوردها به عنوان یک اقلیت سرکوب شده در ایران بوده‌ایم (سازمان عفو بین‌الملل، ۲۰۰۸). اما مسئله‌ی کوردی در ایران به جای اینکه همچون یک مورد جداگانه

”

اتحادیه‌ی اروپا و کوردهای ایران*

زانا عبدالله کورده

مترجم: نائین یارسان

“

مورد توجه قرار گیرد در بافت سابقه‌ی دهشتناک رژیم ایران در مورد حقوق بشر و سوء رفتار با اقلیت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر شاهد رشد جنبش‌های فعالین کورد و احزاب سیاسی کوردی در لابی‌گری برای مسئله‌ی خود در سراسر پایتخت‌های اتحادیه‌ی اروپا از جمله بروکسل بوده‌ایم. از آنجایی که نه اتحادیه‌ی اروپا و نه هیچ یک از دولت‌های عضو آن سیاستی جداگانه در رابطه با کوردهای ایران اتخاذ نکرده‌اند مدارک تجربی در رابطه با نقش اتحادیه‌ی اروپا را می‌توان در بافت رابطه‌ی دو جانبه‌ی این اتحادیه با ایران یافت. این فصل شامل ارزیابی از عملکرد اتحادیه‌ی اروپا در مورد مسئله‌ی کوردی و تحلیل دلایل عدم علاقه‌ی اتحادیه‌ی اروپا به این مسئله می‌باشد. در آخر، این فصل ارزیابی از عملکرد اتحادیه‌ی اروپا در این مسئله را ارائه می‌دهد.

منافع مشترک زمینه‌ی منافع مشترک منافع قانونی و استراتژی اتحادیه‌ی اروپا

اتحادیه‌ی اروپا و ایران روابط نسبتاً طولانی اما بی‌ثباتی داشته‌اند. برای مدت زمان طولانی اتحادیه‌ی اروپا جدای از واردکننده‌ی عظیم نفت خام، شریک تجاری ایران نیز بوده است. با این حال از سوی اتحادیه‌ی اروپا در مقابل ایران به دلیل عدم شفافیت ایران در پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای تحریم‌هایی اعمال شد. در آغاز قرن بیست و یکم اتحادیه‌ی اروپا و ایران چهارچوبی وسیع برای مذاکره و همکاری در زمینه‌های تجاری، مذاکرات سیاسی و همکاری سازمانی آغاز کردند. در دوران سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ ایران و

اتحادیه‌ی اروپا دوره‌های متعدد مذاکرات را برپا کردند که همه‌ی آنها به تلاش ایران برای احیای برنامه‌ی هسته‌ای خود در خفا انجامید. دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا با در نظر گرفتن این تلاش‌ها به عنوان اقدامات بی‌ثبات کننده‌ی منطقه‌ای در خاورمیانه و با توجه به سوء سابقه‌ی ایران در مسائل حقوق بشری بر سر مجموعه‌ای از اقدامات سختگیرانه علیه ایران به توافق رسیدند که به افت شدید معاملات تجاری میان بلوک اتحادیه‌ی اروپا و ایران منجر شد.

با این حال در جولای ۲۰۱۵ ایران به یک توافق جامع با اعضای شورای امنیتی گروه پنج به علاوه‌ی یک اتحادیه‌ی اروپا دست یافت که با نام برنامه‌ی جامع مشترک (برجام) شناخته شد. در راستای توافق برجام ایران متعهد شد که بازرسی‌های بین‌المللی از برنامه‌ی هسته‌ای ایران صورت پذیرد و حتی محدودیت‌هایی نیز بر آن اعمال گردد و در مقابل تحریم‌ها برداشته شوند. در ابتدا برجام به بازگشایی بازار تجاری ایران با جهان بیرون از جمله اتحادیه‌ی اروپا انجامید. تأثیرات مثبت برجام در مقیاس روبه رشد تجارت میان ایران و اتحادیه‌ی اروپا قابل ملاحظه بود. در سال ۲۰۱۷ معاملات میان ایران و اتحادیه‌ی اروپا به ۲۰۷ میلیارد یورو با ۱۰۶ میلیارد یورو صادرات از اتحادیه‌ی اروپا به ایران و ۱۰۱ میلیارد یورو واردات اتحادیه‌ی اروپا از ایران رسید. به علاوه شرکت‌های بزرگ از اتحادیه‌ی اروپا از جمله غول‌هایی مانند ایرباس، سایمنز و فیلپس قرداد‌های بزرگ اولیه را با ایران به امضا رساندند. اما امید برای احیای روابط تجاری و قابلیت‌های بالقوه‌ی آن برای اتحادیه‌ی اروپا تا از آن به عنوان اهرم فشار در سایر موارد از جمله حقوق

بشر استفاده کند به دلیل خروج یک جانبه‌ی آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۶ از بین رفت. به علاوه‌ی خروج از برجام دولت ترامپ شرکت‌های اروپایی که با رژیم ایران معاملات تجاری داشتند را تهدید به تحریم کرد. در نتیجه‌ی این مسئله ایران به آغاز دوباره‌ی بخش‌هایی از برنامه‌ی هسته‌ای دست زد که باعث شد اعضای اتحادیه‌ی اروپا دوباره تحریم‌های اقتصادی خود را بر ایران اعمال کنند. تأثیرات منفی این تحریم‌ها در افت روابط تجاری اتحادیه‌ی اروپا و ایران با ظرفیت ۵.۱ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۹ که از مجموع معاملات سال ۲۰۱۷ کمتر است قابل مشاهده می‌باشد.

علیرغم تحریم‌ها ایران همچنان برای اتحادیه‌ی اروپا و کشورهای عضو آن از اهمیت خاصی برخوردار است. پس از برجام شورای امنیت اروپا چارچوبی استراتژیک برای روابط میان اتحادیه‌ی اروپا و ایران ارائه کرد که شامل معاملات تجاری، مسائل زیست محیطی و منابع قابل بازیافت، آموزش و مبارزه با دادوستد مواد مخدر می‌شود (بخش بعدی را مشاهده کنید). شورای امنیت اتحادیه‌ی اروپا همچنین اهمیت موقعیت ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای را در مهار کردن مسائل سیاسی طولانی مدت و مبارزه با تروریسم از جمله گروه داعش درک کرده است. شورای امنیت اروپا بر "وجود شماری از بحران‌های سیاسی طولانی مدت در منطقه (داعش، مهاجرت) که دستیابی به یک راه حل را بدون وجود ایران یا به شکلی غیرضروری پرهزینه یا تقریباً غیرممکن می‌سازد" تأکید می‌کند (شورای امنیت اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۱۶). بنابراین علیرغم تحریم‌های موجود اتحادیه‌ی اروپا و دولت‌های عضو

آن همکاری با ایران با رویکرد سیاست انزوا را مدنظر قرار می‌دهند. در سال ۲۰۱۶ اتحادیه‌ی اروپا ۵۰ میلیون یورو را به پشتیبانی از همکاری دو جانبه با ایران اختصاص داد. به نظر می‌رسد معاملات تجاری عظیم و ابقای دیالوگ سیاسی بر میزان توانایی دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا در اعمال فشار بر ایران در رابطه با مسائل حقوق بشری و اقلیت‌ها تأثیرگذار باشد. البته بنا به دلایل متعدد که در این فصل مطرح شدند مسئله‌ی کوردی در ایران به اندازه‌ای که مسائل کوردهای ترکیه و عراق یا سوریه برای جهان خارج شناخته شده روشن نشده‌اند. در عوض سوء رفتار با کوردها در زمینه‌ی گسترده‌تر سوء استفاده از حقوق بشر از جانب رژیم ایران جای گرفته است که اتحادیه‌ی اروپا روی آن تمرکز دارد. در این زمینه تحلیل رویکرد کنونی اتحادیه‌ی اروپا به مسئله‌ی کوردی در ایران و درک نداشتن نقش خاص اتحادیه‌ی اروپا در این مورد مرتبط به نظر می‌رسد.

عامل کوردی

حدوداً ۱۵٪ از جمعیت کل ایران کورد هستند و با این حساب آنها سومین گروه اتنیکی پس از فارس‌ها و تورک‌ها به شمار می‌آیند. علاوه بر این منطقه‌ی کوردستان (کوردستان ایران) در گوشه‌ای از ایران قرار دارد که از همه‌ی مناطق دیگر ایران به اتحادیه‌ی اروپا نزدیک‌تر است البته اگر روزی ترکیه به یکی از اعضای اتحادیه‌ی اروپا تبدیل شود. به این دلیل که کوردها بیشترین جمعیت سنی مذهب غیرفارس را تشکیل می‌دهند هم به خاطر عامل اتنیکی و هم عامل مذهبی در ایرانی که توسط شیعه‌ها اداره می‌شود به حاشیه رانده شده‌اند (سازمان عفو

بین‌الملل، ۲۰۱۹)^[۴]. به دلیل وضعیت اقلیت بودن دوگانه‌ی کوردها از سوی حاکمان مختلف ایران از شاه گرفته تا جمهوری اسلامی که به دست آیت‌الله‌ها اداره می‌شود سرکوب شده‌اند. همچون عراق و ترکیه آغاز ملی‌گرایی در قرن بیستم تاثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری جنبش مقاومت کوردی داشته است. اگرچه تنها جمهوری کوردی که تا به حال در مناطق کوردنشین ایران تشکیل شده است در سال ۱۹۴۶ بود (رجوع شود به فصل ۳)، اما مسئله‌ی کوردی از بیرون همچون موقعیت عراق و ترکیه به عنوان یک مسئله‌ی سیاسی جداگانه در نظر گرفته نشده است. در عوض مسئله‌ی کوردی از نقطه نظر بافت وسیع‌تر مربوط به حقوق اقلیت‌ها در ایران بررسی شده است. بدون اینکه بیش از حد عمیق به ریشه‌های دلایل عدم ازدیاد توجه کنیم، نبود اتحاد میان احزاب سیاسی کوردی در حالت کلی به عنوان دلیل اصلی در نظر گرفته شده است (انجمن روابط خارجی، ۲۰۱۵). به علاوه مردم شناسان این حقیقت که کوردهای ایران به نوعی دارای ارتباط اتنیکی با فارس‌ها هستند در حالی که تورک‌ها یا عرب‌ها چنین ارتباطی ندارند را یکی دیگر از عوامل در نظر گرفته‌اند (ون بروینسون، ۱۹۹۱، ۲۰۰۰).

با این حال این بدان معنا نیست که تعهد کوردها برای جهان خارج ناآشناست. در چهار دهه‌ی اخیر وجود شمار قابل ملاحظه‌ی دیاسپورای کوردی در اروپا در ایجاد آگاهی درباره‌ی موقعیت کوردی تاثیرگذار بوده است. احزاب سیاسی کوردی و گروه‌های اجتماعی مدنی در اروپا فعالیت‌های لابی‌گری برای دستیابی به این هدف را دنبال کرده‌اند. در نتیجه

سرنوشت کوردها به شکل فزاینده‌ای توجه سیاستمداران در سراسر اروپا از جمله بروکسل را به خود جلب کرده است. در دهه‌های اخیر برنامه‌ی سیاسی کوردی به لحاظ درخواستی که در مورد اقلیت‌های اتنیکی مطرح می‌نماید تغییراتی داشته است. درحالی که در گذشته کوردها تلاش می‌کردند تا با دولت صلح کنند تا حقوق فرهنگی و سیاسی خود را به دست آورند اما چنین بلندپروازی‌هایی به دلیل مخالفت ایران برای پرداختن به مسأله‌ی کوردی در طول زمان از بین رفت. در نتیجه کوردها بیش از این معتقد نیستند که رژیم اسلامی کنونی که توسط آیت‌الله‌ها رهبری می‌شود به صورتی جدی حقوق هیچ یک از اقلیت‌های ایران را در نظر بگیرد. بنابراین احزاب سیاسی کوردی در پی دست یافتن به کورسی سیاسی قوی از طریق تعامل و همکاری فعال با سایر جنبش‌های اپوزیسیون ایرانی هستند. پیام سیاسی کوردی در دوهه‌ی اخیر حول تلاش‌های استراتژیک شکل گرفته است. با الهام از حکومت شبه خودمختار کوردی در عراق سه حزب سیاسی اصلی کوردی در ایران به دنبال یک حکومت دموکراتیک و فدرال هستند به شکلی که حقوق کوردی و خودنمایی آنها در حاکمیت تضمین شود^[۵].

احزاب سیاسی کورد که به صورت بالفعل نماینده‌ی جمعیت کوردهای ایران هستند در ایدئولوژی ملی‌گرایی یا سوسیالیستی ریشه دارند. احزاب ایران شبیه به کوردهای عراق روایت اصلی خود را به سوی ایده‌های لیبرال و دموکراسی اجتماعی سوق داده‌اند. در همین راستا به نظر می‌رسد خواست‌های سیاسی کوردی از سوی تجربه‌ی کوردهای عراقی الهام

گرفته و تقویت شده باشد. این قضیه در سخنرانی یکی از رهبران کورد ایرانی آقای مصطفی هجری مشهود است:

آقای هجری دیدگاه خود درباره‌ی ایران فدرال و دموکراتیک یعنی جایی که از حقوق بشر تمامی ملیت‌های مختلف در قانون اساسی محافظت می‌شود را بیان کردند. به علاوه آقای هجری با تاکید بر تجاوز سیستماتیک رژیم ایران در سرزمین مادری، برنامه‌ی هسته‌ای، پشتیبانی از گروه‌های تروریستی مختلف، مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و بی‌ثبات کردن بخش مهمی از خاورمیانه گفتند که این مسائل به هم مرتبط هستند و بایستی از سوی سیاستمداران اروپایی بررسی شوند (سازمان ملتها و مردم بی‌نماینده، ۲۰۱۶).

در حالی که اکنون مسئله‌ی کوردی در ایران ظاهراً به عنوان عاملی در روابط اتحادیه‌ی اروپا با ایران در نظر گرفته نمی‌شود اما پتانسیل کوردها به عنوان یک نیروی دموکراتیک و شریک توانا در هر سناریویی در آینده‌ی پس از رژیم کنونی مسأله‌ی کوردها را به یک عامل جدی برای همکاری اتحادیه‌ی اروپا با ایران در آینده تبدیل خواهد کرد.

روابط (تاریخی) دولت‌های عضو با کوردهای ایران

هرچند قسمت‌هایی از مناطق کوردستان ایران به قلمروی امپراطوری عثمانی افزوده شد؛ پس از معاهده‌ی سایکس پیکو و کشیدن مرزهای عراق، مناطق کوردستانی در ایران از حاکمیت بریتانیا جداگشت. کوردستان ایران قیام کرد و پس از آن جمهوری کوردستان در مه‌یاد در سال ۱۹۴۶ توسط قاضی محمد بنیان‌گذاری شد (برای مشاهده‌ی جزئیات

رجوع شود به فصل ۳). در ابتدا شوروی سابق از جمهوری کوردستان حمایت می‌کرد تا متحدان آمریکا در رژیم شاه را در سایر نقاط ایران بی‌ثبات کند. اما پس از یک معامله با ایران شوروی سابق پشتیبانی خود از جمهوری را منتفی کرد که پس از آن ایران به راحتی توانست آن را از بین برده و رئیس‌جمهورش یعنی قاضی محمد را اعدام کند. اگرچه در دوره‌هایی ایالات متحده از گروه‌های مسلح کورد ایران حمایت کرده است اما منطقه‌ی کوردستان در ایران از آن زمان به بعد در رقابت‌های ژئوپولتیکی میان ابرقدرت‌ها ابزاری کلیدی به حساب نیامده است.

سه دهه طول کشید تا روشنفکران کورد در اروپا جنبش مقاومت کوردی را احیا کنند. این مسئله به دست عبدالرحمان قاسملو که یک فرد آکادمیک بود و شبکه‌ای از روابط را با متفکران و سیاستمداران اروپایی تاثیرگذار مخصوصاً در فرانسه و چک و سلاواکی سابق ایجاد کرد رهبری می‌شد. به شکلی سنتی فرانسه پایگاه حمایتی از گروه‌های مختلف اپوزیسیون ایرانی از جمله حزب دموکرات کوردستان ایران بوده است. از سال ۱۹۷۰ به بعد حزب دموکرات کوردستان ایران با مجموعه‌ای از فعالیت‌های سیاسی نماینده‌ی کوردهای ایران بوده است. پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ برای قاسملو مشخص شد که رژیم جدید آیت‌الله‌ها به سرکوب کوردها ادامه می‌دهند. بنابراین او برای ایجاد کمپین دیپلوماتیک شدید تاکید می‌کرد تا کوردهای ایران پیشرفت کرده و مورد دفاع قرار گیرند (کوچرا، ۲۰۱۲). رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران و کادر رو به افزایش آن از فرصت‌های سیاسی در

کشورهای اروپای غربی از جمله فرانسه، آلمان، اتریش و سوئد استفاده کردند تا فعالیت‌های سیاسی و لابی‌گری‌های خود را توسعه بخشند. جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن قدرت رو به فزونی حزب دموکرات کوردستان ایران به عنوان خطری برای امنیت ملی دست به مجموعه ترورهای زد تا مقاومت کوردها در اروپا را در هم بشکنند. در همین راستا، ایران قاسملو را در وین در سال ۱۹۸۹ و سپس جانشین وی یعنی صادق شرفکندی را در برلین در سال ۱۹۹۲ ترور کرد. هر دوی این ترورها آتش خشم رهبران اروپایی را برانگیخت و به این ترتیب به افزایش آگاهی در مورد مسئله‌ی کوردها در ایران انجامید. حاکمان اتریش مامور ترور قاسملو را تحت مصونیت دیپلماتیک آزاد کرده و او به تهران بازگرداندند. اما از سوی دیگر عاملان ترور شرفکندی دادگاهی شده و با مجازات حبس ابد روبرو شدند و فرمان بازداشت وزیر اطلاعات وقت ایران علی فلاحیان در سال ۱۹۹۶ نیز صادر گشت (کوچرا، ۲۰۱۲؛ مونیک، ۲۰۱۹).

در حالی که هیچ‌گونه گرایش واقعی از جانب اتحادیه‌ی اروپا یا هیچ‌یک از کشورهای عضو آن برای فعالیت موثر در زمینه‌ی کوردها در ایران صورت نگرفته است، وجود احزاب اپوزیسیون کوردی و فعالیت‌های دیاسپورای کوردی به رابطه‌ی غیررسمی با کوردها انجامیده است. این امر باعث ایجاد حداقل سطح آگاهی که توسط کوردها از طریق یادآور شدن وضعیت وخیم انسانی و وجود کمترین میزان حقوق شهروندی در ایران تثبیت شده است.

شکل‌گیری منافع مشترک

ایجاد تعادل میان منافع قانونی و مادی

علیرغم عدم تفاهم ایران و اتحادیه‌ی اروپا در مورد برنامه‌ی هسته‌ای در این اواخر، اتحادیه‌ی اروپا خواسته است تا با ایران وارد رابطه شود. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد اتحادیه‌ی اروپا و دولت‌های عضو آن ایران را به عنوان یک بازیگر ضروری در ثبات خاورمیانه در نظر می‌گیرند. به علاوه به دلیل اینکه ایران از نظر منابع انسانی و طبیعی کشوری غنی است برای بلوک اتحادیه‌ی اروپا به صورت بالقوه به شریک تجاری و سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. با این وجود روابط میان این دو به دلیل سابقه‌ی وحشتناک ایران در مسائل مربوط به حقوق بشر، سرکوب اقلیت‌های اتمیکی، سوء استفاده از حقوق زنان و سرکوبگری‌های خشونت آمیز معترضان و همچنین استفاده از حکم اعدام که همگی برخلاف ارزش‌ها و اصول اصلی اروپا می‌باشند پیچیده گشته است. بنابراین اتحادیه‌ی اروپا روش بیان به قانونی‌ای در مقابل ایران اتخاذ کرده است.

نتیجه‌گیری‌های متعدد شورا و قطع‌نامه‌های پارلمان اروپا در دو دهه‌ی اخیر تصویری از استراتژی یک دست اتحادیه‌ی اروپا را بر اساس تمایل به نگه داشتن روابط سیاسی و اقتصادی با ایران و نیاز به بیان انتقادات شدید از سابقه‌ی ایران در مسائل حقوق بشری را نشان می‌دهد (تصمیمات پارلمان اروپا، ۲۰۱۹).

در این زمینه اتحادیه‌ی اروپا تلاش کرده است تا از مدافعان و فعالین حقوق بشری ایران حمایت کند. این اتحادیه با استفاده از شیوه‌های مختلف که اصلی‌ترین آن شیوه‌ی اروپایی دموکراسی و حقوق بشر (EIDHR) است مبالغی را برای سازمان‌های مدنی جامعه‌ی ایران فراهم کرده است. نشانه‌ی دیگری از حمایت

اتحادیه‌ی اروپا برای سازمان‌های مدنی جامعه‌ی ایران اهدای جایزه‌ی ساخاروف برای آزادی و اندیشه به نسرین ستوده فعال و وکیل و جعفر پناهی فیلمساز ایرانی در سال ۲۰۱۲ بود.

اتحادیه‌ی اروپا رویکردی چندجانبه در رابطه با ایران اتخاذ کرده است تا تعادل میان منافع استراتژی‌های ژئوپولیتیکی قانونی و مادی حفظ گردد. اتحادیه‌ی اروپا در راستای استراتژی خود برای تجدید روابط با ایران که در سال ۲۰۱۶ به تصویب پارلمان اروپا رسید چارچوب روابط "four C" را در پیش گرفته است: تعهد اتحادیه‌ی اروپا به تجدید روابط با ایران بر اساس "دیالوگ four C" یک دیالوگ جامع در هدف؛ با همکاری طرفین در زمینه‌هایی که ایران و اتحادیه‌ی اروپا در آن منافع مشترک دارند؛ ضروری، باز و شفاف در زمینه‌هایی که ایران و اتحادیه‌ی اروپا بر سر آن اختلاف نظر دارند اما به دنبال زمینه‌های مشترک هستند؛ و در کل در گفتار و عمل سازنده.

در یک دهه‌ی گذشته پارلمان اروپا ۱۴ قطع‌نامه را به ایران ابلاغ کرده است که شمار قابل توجهی از آن مربوط به نقض حقوق بشر است. از سوی دیگر نتیجه‌گیری‌های شورا در مورد ایران بیشتر بر مسائل دیگر همچون برنامه‌ی هسته‌ای ایران و (عواقب) اقتصادی و تجاری وابسته به ایران تاکید کرده است. البته این بدان معنا نیست که اختلاف بزرگی میان رویکردهای مختلف سازمان‌های اتحادیه‌ی اروپا وجود دارد. در حقیقت شورا و سرویس فعالیت خارجی اروپا به توافقی برای "دیالوگ بر سر مسائل حقوق بشر" با ایران دست یافته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط استراتژیک اتحادیه‌ی اروپا در سیاست این

اتحادیه تعادلی میان تمامی اشکال مربوط به منافع استراتژی ژئوپولیتیکی و تمایل به حفظ ظاهر اتحادیه‌ی اروپا به عنوان یک بازیگر قانونمدار برقرار کرده است. سفیر کمیته‌ی سیاست‌گذاری و امنیت یکی از دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا رویکرد این اتحادیه در قبال ایران را به شکل زیر توصیف می‌کند:

اتحادیه‌ی اروپا حفظ ارتباط با ایران را با توجه به اهمیت ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای ضروری می‌داند. این جدای از توانایی بالقوه‌ی ایران برای تبدیل شدن به یک شریک قوی اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی تجاری و انرژی است. بخشی از رویکرد ما در قبال ایران این بوده است تا ایران را نیز به سوی شفافیت سیاسی و مدنی سوق دهیم و مطمئن شویم که ایران به حقوق اولیه و آزادی شهروندان خود احترام می‌گذارد. ما معتقدیم این اهداف منحصر نبوده بلکه مکمل هم هستند. این همان نوع تعادلی است که برای اتحادیه‌ی اروپا به عنوان بازیگر و میانجی مهم قابل قبول می‌نماید.

در این زمینه آماده‌سازی مذاکرات برجرام از سوی اتحادیه‌ی اروپا وضعیت آن را همچون بازیگری مهم و بی‌طرف ارتقا بخشیده است. بخشی از این قضیه مدیون تداوم سیاست‌های اتحادیه‌ی اروپا در قبال ایران است. برعکس ایالات متحده که در سال ۲۰۱۶ از برجرام خارج شد، اتحادیه‌ی اروپا همچنان بر حمایت خود از روابط با ایران تاکید می‌کند. نتیجه‌گیری شورای اتحادیه‌ی اروپا در مورد ایران در فوریه‌ی ۲۰۱۹ بیان می‌کند که:

این اتحادیه بر حمایت خود از توسعه‌ی روابط ایران-اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌های منافع مشترک که در برنامه‌ی جامع مشترک که در آوریل ۲۰۱۶ از

سوی نماینده‌ی اصلی اتحادیه‌ی اروپا و وزیر خارجه‌ی ایران بر سر آن با هم به توافق رسیدند تاکید می‌کند زیرا بر مشارکت طرفین در همکاری‌های دوجانبه تاکید دارد. از جمله‌ی این موارد حوزه‌های مربوط به دیالوگ سیاسی، حقوق بشر، همکاری اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری، کشاورزی، حمل و نقل، انرژی و تغییرات آب و هوایی، همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای، محیط زیست، حفاظت داخلی، علم، کتاب و نوآوری، آموزش شامل مبادلات دانشگاهی، فرهنگ، مواد مخدر، مهاجرت، اقدامات منطقه‌ای و بشردوستانه است.

هدف اتحادیه‌ی اروپا برای اینکه در قبال ایران کارگذار صادقی باشد این است که سرمایه‌ی توسعه‌ی این اتحادیه و همکاری بشر دوستانه مخصوصاً در مورد حمایت از چهار میلیون افغانی آواره در ایران تقویت شود. اتحادیه‌ی اروپا از سال ۱۹۹۷ پنجاه و نه میلیون یورو را در راه کمک‌های بشر دوستانه به ایران اهدا کرده است (اداره‌ی کل کمیسیون اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۱۵).

مشمول شدن کوردها در بافت حقوق بشر و اقلیتها

اتحادیه‌ی اروپا مسئله‌ی کوردها در ایران را به عنوان یک مورد جداگانه‌ی سیاسی یا بشر دوستانه در نظر نگرفته است. در عوض این اتحادیه به این مسئله در چارچوب بزرگتر موقعیت حقوق بشر در ایران و رفتار (نامناسب) ایران در مورد اقلیت‌های اتنیک‌ی این کشور پرداخته است. اسناد رسمی اتحادیه‌ی اروپا از جمله جمع‌بندی شورا و قطع‌نامه‌ی پارلمان اروپا گاه‌ها شامل ارجاعاتی به "کوردها" در زمینه‌ی این چارچوبها

بوده است. عموماً در این دو زمینه از کوردها یاد شده است. نخست اقلیت کوردی به عنوان یکی از اقلیت‌هایی که با آزارهای عمومی روبه‌روست در نظر گرفته شده است. قطع‌نامه‌های پارلمان اروپا به سوء استفاده از حقوق بشر و آزادی‌های اقلیت‌های اتنیک‌ی اذعان دارد. به عنوان یکی از این قطع‌نامه‌ها در سال ۲۰۱۲ در مورد مشخص سازی "موقعیت اقلیت‌های اتنیک‌ی در ایران"، با بررسی این موضوع، کوردها به شکلی جداگانه در نظر گرفته نشده‌اند بلکه همراه با سایر اقلیت‌های اتنیک‌ی ایران از آنها نام برده شده است:

در حالی که حکومت جمهوری اسلامی ایران به صورت رسمی شرایط رفتار مناسب با اقلیت‌های اتنیک‌ی را فراهم آورده است اما در عمل اعضای این اقلیت‌ها همچون آذری‌ها، اعراب، کوردها و بلوچ‌ها تا حد زیادی از نقض حقوق انسانی و شهروندی از جمله تجاوز به حقوق آنها برای گردهم‌آیی‌های آزادی‌خواهانه، همکاری و مطرح نمودن خود مواجه‌اند (قطع‌نامه‌ی پارلمان اروپا ۲۰۱۲/۲۶۸۲ (RSP)).

ثانیاً اسناد پارلمان اروپا شامل ارجاعاتی به پرونده‌های زندانیان سیاسی و فعالین کورد به عنوان نمونه‌های نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. هرچند به کورد بودن آنها اشاره‌ای نمی‌شود چندین قطع‌نامه‌ی پارلمان اروپا در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹ شامل اشاراتی به رفتار نامناسب با زندانیان کورد یا حکم اعدام فعالین کورد در ایران است. به علاوه در مورد احکام یا اجرای حکم اعدام فعالین یا کودک_مجرمان کوردها سرویس فعالیت خارجی اروپا و پارلمان اروپا بیان‌نامه‌های محکوم ساختن رسمی این اقدامات را صادر کرده‌اند. آخرین

نمونه‌ی این موارد اعدام کودک_مجرم کورد به نام شایان سعیدپور بود. در پاسخ به اعدام وی، سرویس فعالیت خارجی اروپا بیان‌نامه‌ی محکومیتی صادر کرد که شامل این نکات بود:

حکم مرگ برای اعدام خلافکاران زیر سن قانونی با تعهدات بین‌المللی ایران تحت پیمان بین‌المللی برای حقوق سیاسی و مدنی و کنوانسیون حقوق کودک‌کان مغایرت دارد. اتحادیه‌ی اروپا یک بار دیگر نیز بر مخالفت شدید خود با اجرای اشد مجازات در هر موردی تاکید می‌کند. ما همچنان در راستای لغو کردن این حکم در معدود کشورهای باقی مانده از جمله ایران که هنوز از آن استفاده می‌کنند تلاش خواهیم کرد (سرویس فعالیت خارجی اروپا، ۲۰۲۰).

بنابراین در حالی که اتحادیه‌ی اروپا از کوردها به عنوان یک گروه اقلیتی یاد می‌کند که با سرکوب روبه‌رو هستند و جمهوری اسلامی ایران با فعالین سیاسی و حقوق بشری کورد رفتار نامناسبی دارد اما این اتحادیه این موارد را همچون بخشی از "مسئله‌ی کوردی" جدا نساخته است بلکه به عنوان نمونه‌های یک مسئله‌ی بزرگتر مربوط به سوء استفاده از حقوق بشر و اقلیت‌ها در ایران از آن استفاده کرده است.

ارائه‌ی منافع مشترک نادیده انگاری کوردها از سوی اتحادیه‌ی اروپا

برخلاف عراق و ترکیه اتحادیه‌ی اروپا تا به حال هیچ تعامل رسمی یا غیررسمی با کوردهای ایران نداشته است. نمایندگان احزاب سیاسی کورد مانند حزب دموکرات کوردستان ایران و پژاک و کومله هر چند وقت یک بار به قصد حضور در مراسم

مختلف از پارلمان اروپا دیدن کرده‌اند. با این حال دعوت‌هایی که به مناسبت این دیدارها به عمل آمده از سوی احزاب سیاسی پارلمان اروپا بوده است نه دعوتی رسمی از سوی خود این پارلمان^{۱۶}.

حزب دموکرات کوردستان ایران و کومله اعضای سازمان بین‌المللی سوسیالیست هستند که یک سازمان گسترده برای احزاب سوسیالیستی و دموکراتیک در سراسر جهان است. به این ترتیب هم حزب دموکرات کوردستان ایران و هم کومله از این جایگاه یعنی سازمانی که همه‌ی احزاب سوسیالیستی و سوسیال دموکرات اروپایی را گرد هم می‌آورد استفاده کرده‌اند تا با احزاب هم‌تراز خود در حزب سوسیالیست اروپا (PES) رابطه برقرار کنند. مخصوصاً رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران از این شبکه‌ی سوسیالیستی استفاده کرده است تا مسیری را برای لابی‌گری برای مسئله‌ی کوردهای ایران ایجاد کند. علیرغم حمایت سازمان سوسیالیست بین‌المللی نه پایتخت‌های اروپایی و نه موضع رسمی دولت‌ها چنین حمایتی را منعکس نمی‌کنند. در عوض اتحادیه‌ی اروپا و دولت‌های عضو آن سیاست برقراری ارتباط با رژیم ایرانی را در پیش گرفته‌اند. هم راستا با این رویکرد اتحادیه‌ی اروپا در برقراری ارتباط با کوردها یا هر جنبش جدایی‌طلب دیگر محتاط عمل کرده است. یک مقام رسمی سرویس فعالیت خارجی اروپا که در امور ایران فعالیت داشت این دورنما را بازگو کرده است:

اتحادیه‌ی اروپا از بحث در مورد سوء استفاده از حقوق بشر در ایران و همچنین حقوق اقلیت‌های آن و گروه‌های تحت آزار مانند اقلیت‌های اتنیک‌ی یا جامعه‌ی همجنس‌گرایان خودداری نکرده است و

این اتحادیه صرف نظر از دولت روی کار آمده‌ی ایران در آینده هم به این رویه ادامه خواهد داد. ما معتقدیم که حقوق همه‌ی اقلیت‌ها از جمله کوردها باید مورد احترام بوده و آنها باید قادر باشند تا فرهنگ و حقوق فردی خود را بر اساس منشور حقوق بشر ابراز کنند. با مدنظر قرار دادن این مسائل اتحادیه‌ی اروپا به خود اجازه‌ی دخالت در امور داخلی ایران را نمی‌دهد و این کار در هماهنگی با ارکان سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا است که به قوانین بین‌المللی که در مورد حاکمیت‌های موجود وجود دارد احترام بگذارد.

در ابراز عقیده‌ی اتحادیه‌ی اروپا جدای از ارجاعات پراکنده به اتهامات فعالین کورد، در اسناد رسمی اتحادیه‌ی اروپا مانند جمع‌بندی شورا یا قطع‌نامه‌ی پارلمان اروپا هیچ ارجاع واضح و مستقیمی به مسئله‌ی کوردها در ایران نشده است. نادیده‌انگاری مسئله‌ی کوردها در ایران از سوی اتحادیه‌ی اروپا خود را در بیانات و سخنرانی‌های رسمی رهبر این اتحادیه که هیچ نشانی از ارجاع به مسئله‌ی کوردها در ایران در آن وجود نداشت آشکار می‌کند. ارجاع خاصی به مسئله‌ی کوردها در هیچ یک از اسناد رسمی یا بیانیه یا سخنرانی‌های اتحادیه‌ی اروپا وجود ندارد. این قضیه در مورد دولت‌های عضو نیز صادق است. به جز فرانسه که در دوره‌هایی روابط حزب به حزب میان حزب دموکرات کوردستان ایران و حزب سوسیال دموکرات فرانسه وارد حکومت فرانسه شده است^[۷] هیچ مورد ارتباط رسمی دولتی با مقامات کورد در ایران وجود ندارد.

در کل اتحادیه‌ی اروپا به مسئله‌ی کوردها در ایران به عنوان مسئله‌ای

جداگانه نمی‌پردازد. از کوردها تنها در چارچوب یک زمینه‌ی بزرگ‌تر یعنی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها در ایران یاد می‌شود. به علاوه نه این اتحادیه و نه دولت‌های عضو آن روابط مداوم (رسمی) با کوردها ندارند. کوردها در تلاش بوده‌اند تا از جایگاه حزب به حزب استفاده کنند تا روابط خود را با احزاب یا چهره‌های سیاسی اروپایی توسعه دهند. اتحاد پیشرو که شبکه‌ای از احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات است یکی از مجامعی است که کوردها در رابطه با مورد خود در آن به لابی‌گری پرداخته‌اند. فعالیت‌های پراکنده‌ی لابی‌گری در پارلمان اروپا در سال‌های اخیر اکثراً از طریق این شبکه انجام گرفته است.

پذیرش مسئله‌ی کوردها از سوی اتحادیه‌ی اروپا رویکرد ناموجود اتحادیه‌ی اروپا به مسئله‌ی کوردها

اتحادیه‌ی اروپا به عنوان مدافع حقوق بشر و دموکراسی به صورت مداوم در مورد نقض حقوق بشر در ایران از جمله رفتار نامناسب با فعالین کورد بحث کرده است. علیرغم این کوردها کاملاً از پتانسیل اقتصادی گسترده‌ای که منافع اروپا درون و در رابطه با ایران از آن برخوردار است آگاه هستند. از نقطه نظر کوردها هر گونه ارتباط اتحادیه‌ی اروپا با ایران ممکن است نتایج مثبتی را برای آنها در پی داشته باشد زیرا اتحادیه‌ی اروپا می‌تواند به عنوان اهرم فشار برای ایجاد تدریجی رفورم در ایران از آن استفاده کند. اما از نقطه نظر رژیم ایران این کشور هیچ مسئله‌ای با دموکراسی یا حقوق اقلیت‌ها یا مذاهب ندارد. در نتیجه رژیم جمهوری اسلامی ایران ادعاها در

رابطه با سوء استفاده از حقوق افراد و گروه‌ها را رد می‌کند. یکی از دیپلمات‌های ایرانی در سفارت بروکسل ابراز کرد که تهران معتقد است این مشکلات ساخته و پرداخته یا بزرگ‌نمایی شده‌اند تا ایران را تضعیف کنند:

جمهوری اسلامی ایران از نعمت تاریخی طولانی با هم‌زیستی چند فرهنگی و چند قومیتی برخوردار است. نه کوردها و نه هیچ گروه دیگری با بی‌عدالتی قانونی سیستماتیک در مورد حقوق گروهی آنها در جمهوری اسلامی ما روبرو نیست. با درک این مطلب ما معتقدیم که گروه‌ها و افرادی وجود دارند که از سوی موجودیت‌های بیگانه‌ی خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا میان مردم ایران تفرقه و ناسازگاری ایجاد کنند. همچون هر کشور قانون‌مدار دیگری همه‌ی افراد در جمهوری اسلامی در برابر قانون و سیستم قضایی یکسان هستند و هر کسی حق دادگاهی آزاد و مستقل را دارد.

واضح است که از دیدگاه رژیم ایران هیچ ارجاعی به سوء استفاده‌ای از حقوق بشر یا اقلیت‌ها نشده است و این ادعاها تلاشی برای متخاصم‌نشان دادن و تضعیف جمهوری اسلامی ایران است. در همین راستا ایران به اتحادیه‌ی اروپا یا هیچ بازیگر خارجی دیگر در مورد مسئله‌ی کوردها اجازه‌ی دخالت مستقیم را نمی‌دهد.

عدم مذاکره با کوردها از سوی اتحادیه‌ی اروپا

تصویر آسیب دیده‌ی کوردها
در ایران عنوان "استان کوردستان" (در زبان فارسی استان کردستان) به منطقه‌ی کوردی اطلاق شده است. این استان

به صورت رسمی در ساختار حکومت بازشناسی شده است و اساساً توسط کارگذاران رسمی جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شود. علیرغم این بازشناسی و خود-حاکمیتی محدود کوردها در ایران بنا به دلایل مختلف احساس مطرح بودن با نام "کردستان" را ندارند. نخست مساحت این استان بسیار کوچک‌تر از منطقه‌ی اصلی کوردستان است. این استان شامل شهرهای بزرگ و کوچک با جمعیت مختلط اما با اکثریت کوردنشین از جمله ارومیه نمی‌شود. دوماً و احتمالاً مهم‌تر از نکته‌ی قبل اختصاص این استان برای کوردها به هیچ عنوان تضمینی برای حفظ نه تنها حقوق سیاسی نیست بلکه حقوق فرهنگی نیز نادیده گرفته می‌شود. به صورت رسمی آموزش به زبان کوردی ممنوع است؛ فارسی تنها زبان مورد استفاده در مدارس می‌باشد. علاوه بر این کسانی که این استان، شهرها و نواحی آن را اداره می‌کنند ممکن است کورد باشند اما جزو سرسپردگان و اعضای وابسته به جمهوری اسلامی تهران هستند. در نتیجه کوردهای ایران به هیچ یک از اشکال خود حاکمیتی که از سوی بازیگران خارجی شناخته شده‌اند یا کوردها را در روابط رسمی نمایندگی می‌کنند بهره‌مند نیستند.

بنا به دلایل ذکر شده کوردها در ایران هیچ نمایندگی رسمی ندارند. تنها نمایندگی معتبر کوردی احزاب سیاسی کوردی هستند که در خارج از ایران فعالیت می‌کنند. این بازیگران از سوی ایران غیرقانونی معرفی شده‌اند و همچنان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. در این مورد می‌توان به ترور رهبر آنها در خاک اروپا اشاره کرد^[۸]. جنبش ملی کوردی در ایران آغازی قوی و آگاهانه را

در اوایل قرن بیستم داشت. قیام سمکو شکاک در سه دهه‌ی نخست ۱۹۰۰ اولین رویداد نزاع ملی کوردها است. در ابتدا ملی‌گرایی کوردی (کوردایه‌تی) تنها پایه‌ی حرکت کوردها را شکل داد و در سال ۱۹۴۳ اولین حزب کوردی با نام حزب دموکرات کوردستان ایران با آرزوی تحقق کوردایه‌تی پایه‌ریزی شد.

با این حال از سال ۱۹۶۰ به این سو ایدئولوژی باعث ایجاد شکاف در جنبش کوردها در ایران شد. کومونیست‌های کورد جامعه‌ی کارگران انقلابی کوردستان ایران (با مخفف کومله) را تاسیس کردند که در میان طبقه‌ی جوانان تحصیل کرده‌ی کورد و دانش‌جویان بسیار محبوب بود. تاسیس کومله باعث ایجاد رقابت شدید و طولانی مدت با حزب دموکرات کوردستان ایران شد. این رقابت که گاهی به نزاع مسلحانه‌ی درونی می‌انجامید از دو دیدگاه متفاوت در مورد اینکه چگونه حقوق ملت کورد باید به دست آید سرچشمه می‌گرفت. یکی به دنبال ملی‌گرایی بود و دیگری راه حل را در کومونیسم می‌دید. در دو دهه‌ی اخیر این دو بلوک رقیب، خود دچار تفکیکاتی شده‌اند. در حال حاضر حزب دموکرات کوردستان به دو حزب کوچک‌تر حزب دموکرات کوردستان (حدکا و حدک) تقسیم شده است. حزب کومله نیز به هیمن شیوه به دو حزب کوچک‌تر کومونیستی تقسیم شده است. به جز دو حزب اصلی احزاب دیگر کوردی نیز در دو دهه‌ی اخیر سر برآورده‌اند. حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک) در سال ۲۰۰۴ تاسیس شد. پژاک که از "شاخه‌های ایرانی" تحت هدایت کوما جواک کوردستان (ک ج ک) است، یک سازمان گسترده‌ی تحت فرمان پ ک ک است و احزاب ایران، عراق، ترکیه

و سوریه را هدایت می‌کند. هم زمان با اینکه پژاک از همکاری و منابع فراهم آمده از سوی پ ک ک بهره‌مند می‌گردد به شکل فزاینده‌ای خود را به عنوان یک جایگزین برای دو حزب آسیب دیده‌ای که از دید پژاک "ضعیف و فاسد" هستند در نظر می‌گیرد!^{۱۹}

به علاوه‌ی ایدئولوژی و سیاست، تمایز مذهبی به عنوان یکی دیگر از عوامل متحد نبودن کوردها در نظر گرفته می‌شود. در حالی که اکثریت کوردها سنی مذهب هستند منطقه‌ای مهم به سمت جنوب کوردستان شیعه هستند. جامعه‌ی کورد شیعه ظاهراً بیشتر بر هویت مذهبی تاکید دارند تا هویت اتنیک. در همین راستا اکثریت کوردهای شیعه با حاکمیت کنونی آیت الله‌ها مشکلی ندارند. بر طبق گفته‌ی ناتالی (۲۰۰۵، ص.۵)، این مسئله حرکت روبه افول جنبش کوردی که پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایجاد شده است را توجیه می‌کند. بنابه دلیل نبود کتاب معتبر بر اساس وقایع تجربی این عامل خاص در مورد تفرقه‌ی کوردها کمتر از نزاع‌های ایدئولوژیک و حزبی مورد مطالعه قرار گرفته است.

عملکرد و تاثیر آن کمبود اهرم فشار اتحادیه‌ی اروپا بر ایران و شکاف در انتظارات

همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد اتحادیه‌ی اروپا به اهمیت روابط قوی با ایران معتقد است. واقعیت این است که دیالوگ سیاسی و روابط تجاری قوی اساس این ارتباط هستند. با این حال این تلاش استراتژیک به دلیل ادامه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای ایران قطع شده است. به علاوه سابقه‌ی بد ایران در زمینه‌ی حقوق بشر به عاملی سردرگم کننده در روابط

اتحادیه‌ی اروپا-ایران تبدیل شده است و در بحث‌های اتحادیه‌ی اروپا درباره‌ی ایران به مسئله‌ای تکرار شونده بدل گشته است. بهبود روابط برای مدت کوتاهی در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ در نتیجه‌ی توافق برجام با ایران نشان داده است که در اصل برنامه‌ی هسته‌ای و نه حقوق بشر است که به عنوان بزرگترین مانع برای روابط با اتحادیه‌ی اروپا مطرح است. این اتحادیه و کشورهای عضو آن پیشنهاد داده‌اند که این مسائل اصلی را در صورتی که اتحادیه‌ی اروپا از روابط قوی و مداوم با ایران برخوردار بود می‌شد به شکلی موثرتر مورد هدف قرار داد. بدون چنین روابط قوی اهرم فشار این اتحادیه بر ایران به بحث‌ها و فشارهای دیپلماتیک که تاثیر خاصی ندارند محدود می‌گردد.

بخشی از این موضوع که اهرم فشار اتحادیه‌ی اروپا مخصوصاً در زمینه‌ی حقوق بشری چنین محدود است به این خاطر است که این اتحادیه فشار دیپلماتیک خود را با تهدیدهای معنادار پشتیبانی نمی‌کند. یک نمونه‌ی آشکار مورد مدافع حقوق بشر ایرانی با نام نسرين ستوده بود که جایزه‌ی ساخاروف پارلمان اروپا را در سال ۲۰۱۲ دریافت کرد. حاکمان ایرانی بدون در نظر گرفتن اهمیت این شخص در اذهان عمومی در سال ۲۰۱۸ وی را به دلیل دفاع از فعالین سیاسی به ۳۸ سال حبس محکوم کردند. در سال ۲۰۲۰ پس از انتشار اخباری مبنی بر وضعیت وخیم سلامت او، پارلمان اروپا با یک "بیانیه‌ی حمایت" که در آن "نگرانی شدید درباره‌ی موقعیت خانم ستوده" ابراز شده بود؛ از حاکمان ایران خواسته شده بود تا "به سرعت درخواست خانم ستوده مبنی بر انتقال ایشان به منزل شخصی به منظور دستیابی به سلامت جسمی را

بپذیرند" (ارنست، ۲۰۲۰).

اتحادیه‌ی اروپا با به رسمیت نشناختن مسئله‌ی کوردها همچون یک مسئله‌ی جداگانه و با برقرار نکردن ارتباط با آنها، استفاده از این مسائل را همچون یک مسئله‌ی جداگانه به عنوان ابزار فشار در برابر ایران انتخاب نکرده است. از نقطه نظر اتحادیه‌ی اروپا چالش مربوط به مسئله‌ی کوردها روابط دوجانبه‌ای را به همراه خواهد داشت که بر فوایدی که ابزار (دیپلماتیک) برای این اتحادیه به دنبال دارد باارزشتر خواهد بود. یک کارمند سرویس فعالیت خارجی اتحادیه‌ی اروپا که از نزدیک بر روابط با ایران کار می‌کند ترجیح اتحادیه‌ی اروپا را اینگونه توصیف می‌نماید:

اتحادیه‌ی اروپا یک قدرت اقتصادی جهانی پرنفوذ است. بنابراین از طریق روابط سیاسی و اقتصادی این اتحادیه می‌تواند به شکلی موثر مسائل مربوط به حقوق بشر را که برای ما نگران کننده هستند مدنظر قرار دهد. با ذکر این موضوع اتحادیه‌ی اروپا از اعمال فشار بر ایران جهت بهبود سوابق این کشور در مسائل حقوق بشری و همچنین تذکرات مداوم به ایران برای حفظ حرمت انسانی و آزادی‌های اساسی خودداری نکرده است (۲۰۱۸).

از سوی دیگر کوردها انتظارات زیادی از نقش بالقوه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در بررسی حقوق آنها به عنوان اقلیتی سرکوب شده در ایران داشته‌اند. از نقطه نظر کوردها این اتحادیه می‌توانست از طریق برقراری ارتباط فعال‌تر با آنها تاثیرگذارتر باشد. نماینده‌ی حزب دموکرات کوردستان ایران در بروکسل این ارزیابی را ارائه می‌دهد: از نظر ما اتحادیه‌ی اروپا به شکلی موثر از اهرم فشار خود بر ایران استفاده

نکرده است. برای مثال مسأله‌ی کوردها یک منبع ارجاع واضح برای نشان دادن شکست ایران در ضمانت اعطای اساسی‌ترین حقوق بشر و نیز حقوق اقلیت‌ها است. این مسأله مخصوصاً می‌توانست بسیار واضح‌تر و مداوم‌تر چارچوب بحث‌های اصلی اتحادیه‌ی اروپا در برابر ایران را مورد خطاب قرار دهد. این اتحادیه با عدم انجام چنین اقداماتی خود را از یک اهرم فشار مهم و موثر بر ایران محروم ساخته است (۲۰۱۹).

این بخش از تحلیل از سوی گروه‌های حقوق بشری که مرتباً از اتحادیه‌ی اروپا خواسته‌اند تا فشار بیشتری بر رژیم ایران وارد کند نیز منعکس شده است (عفو بین‌الملل، ۲۰۰۱). با این حال این گروه‌ها دفاع اتحادیه‌ی اروپا از حقوق بشر را در منظری وسیع‌تر یعنی فراتر از مسئله‌ی کوردها در نظر می‌گیرند. برای گروه‌های حقوق بشری مسائل حیاتی دیگری مانند حکم اعدام، حقوق جامعه‌ی دگرباشان و نقض سختگیری‌های شدید علیه خودنمایی‌های مسالمت‌آمیز نیز وجود دارد. اینها مسائلی هستند که به نظر این گروه‌ها باید اتحادیه‌ی اروپا با فشار بر روابط دوجانبه‌اش با ایران اعمال نماید.

اتحادیه‌ی اروپا یک بازیگر تغییردهنده (در مورد مسئله‌ی کوردها) در ایران نیست

با در نظر گرفتن عملکرد اتحادیه‌ی اروپا از دیدگاهی گسترده‌تر می‌توان دید که نقش این اتحادیه و عملکرد آن در بررسی مسئله‌ی کوردها در ایران موثر نبوده و فعالیت‌های این اتحادیه بر بازیگران اصلی این منازعه یعنی رژیم ایران و کوردها نیز تأثیری نداشته است. آن گونه که قبلاً گفته شد اتحادیه‌ی اروپا علیرغم سابقه‌ی

وحشتناک ایران در مورد حقوق بشر نفع حیاتی خود را در نگه‌داشتن روابط با این کشور می‌بیند. از دید اتحادیه‌ی اروپا مسائل اصلی بهتر است در مذاکرات جدی سیاسی و نه در قالب تحریم‌ها ابراز شوند. بنابراین در حالی که اتحادیه‌ی اروپا در نقد خود از سوء استفاده‌ی رژیم ایران از حقوق بشر و سوء رفتار با اقلیت‌های آن پافشاری کرده است، اما این مسائل به عنوان عناصر قطعی در سیاست تحریم این اتحادیه بر ایران به کار گرفته نشده‌اند. در عوض تحریم‌های کنونی اتحادیه‌ی اروپا بیشتر به دلیل شکست ایران در همکاری با قوانین بین‌المللی در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای هستند. ایران به نوبه‌ی خود دخالت‌های خارجی را در "امور داخلی خود" رد کرده و به ندرت به خواست‌های اتحادیه‌ی اروپا اعتنا کرده است. مذاکرات اصلی اتحادیه‌ی اروپا با فعالیت‌های دیپلوماتیک پشتیبانی نشده‌اند چه برسد به اعمال تحریم. در نتیجه ایران خود را موظف به بهبود شرایط حقوق بشر در این کشور نکرده و حقوق اقلیت‌های اتنیکی از جمله کوردها را ضمانت نمی‌کند. بنابراین در مورد ایران عملکرد اتحادیه‌ی اروپا به عنوان یک بازیگر اصلی جهانی و مدافع حقوق بشر تا حدودی بی‌تأثیر بوده است. با توجه به نقش این اتحادیه در مسأله‌ی کوردها و تأثیر طولانی مدت آن بر آنها، یکی از دو بازیگر اصلی در این مسئله، می‌توان گفت که عدم ارتباط اتحادیه‌ی اروپا با مسئله‌ی کوردها و نبود رابطه با آنها در ایران مانع از این شده تا این اتحادیه تأثیرات طولانی مدت مهمی را ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

این فصل نقش اتحادیه‌ی اروپا در مورد مسئله‌ی کوردها در ایران را تحلیل کرد.

اولین مشاهدات در رابطه با ارتباط نسبتاً ناموجود این اتحادیه است. اتحادیه‌ی اروپا سیاست مجزایی در قبال کوردهای ایران ندارد و با گروه‌های کورد ایرانی نیز هیچ ارتباطی برقرار نکرده است. عوامل متعددی در پس این نبود رابطه وجود دارد. نخست علیرغم بحث‌های اصلی جدی و مداوم، اتحادیه‌ی اروپا، ایران را به عنوان یک شریک ضروری هم در زمینه‌ی روابط بالقوه‌ی تجاری و انرژی و هم در مورد نقش حیاتی این کشور در حفظ ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه در نظر می‌گیرد. بنابراین تقویت دیالوگ سیاسی و روابط قوی تجاری اهداف کلی اتحادیه‌ی اروپا را تحت پوشش قرار خواهد داد. لیکن بحث‌های جدی این اتحادیه به هیچ نوع تحریمی بر ایران به دلیل سابقه‌ی ضعیف این کشور در امر حقوق بشر ختم نشده است.

به علاوه نقش نا-موجود اتحادیه‌ی اروپا تا حدودی به دلیل این حقیقت است که مسأله‌ی کوردها به شکلی مناسب همانند کوردهای ترکیه، عراق یا سوریه بازشناسی نشده است. به جای پیگیری سیاست‌های نابودسازی علیه کوردها (عراق)، یا به طور کامل انکار هویت کوردها (ترکیه)، ایران رویکردی زیرکانه‌تر را در پیش گرفته است به طوری که کوردها از حقوق سیاسی و فرهنگی خود به شیوه‌ای نامحسوس محروم گشته‌اند. سرانجام نادیده‌انگاری مسئله‌ی کوردها در ایران با نمود (سیاسی) آسیب دیده‌ی آنها که به اندازه‌ی جنبش‌های موجود در سه دولت دیگر سازمان یافته و رسا نبوده است در ارتباط می‌باشد.

در نتیجه اتحادیه‌ی اروپا نظری را نسبت به این مسئله همچون یک نزاع جداگانه و چندوجهی میان ایران به عنوان

یک دولت و اقلیت کوردها اتخاذ نکرده است. در عوض این اتحادیه مسئله‌ی کوردها را تنها درون زمینه‌ی مربوط به حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها در ایران در نظر می‌گیرد. این زمینه‌ها در اصل و ارجاع گسترده‌تر هستند. به این ترتیب موقعیت کوردها با سایر گروه‌های اتنیکی در ایران همچون اعراب، بلوچ‌ها و آذری‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه هیچ ارجاعی که مشخصاً به مسئله‌ی کوردها در ایران ارجاع داده باشد در هیچ کدام از اسناد و روابط اتحادیه‌ی اروپا یافت نمی‌شود. در آخر هم راستا با این رویکرد این اتحادیه هیچ اولویتی را برای برقراری ارتباط سیاسی با چهره‌های کورد مانند حزب دموکرات کوردستان ایران، پژاک یا کومله تلاشی نکرده است. کوردها به سهم خود به شکلی روزافزون در تلاش برای لابی‌گری با اتحادیه‌ی اروپا و دولت‌های عضو آن با هدف افزایش آگاهی درباره‌ی وضعیت اقلیت خود بوده‌اند تا در نهایت قادر باشند که مسئله‌ی کوردی در ایران را در لیست اولویت‌های پایتخت‌های اروپایی قرار دهند. با این حال لابی‌گری کوردها تا حدودی در هدف و مرجع محدود بوده است زیرا آنها بیشتر توانسته‌اند با سازمان‌های گسترده‌ی احزاب سیاسی اروپایی (مانند حزب سوسیالیست اروپا) ارتباط برقرار کنند نه با حکومت‌ها یا نهادهای اتحادیه‌ی اروپا.

در پایان در مورد عملکرد اتحادیه‌ی اروپا نبود اهرم فشار از سوی این اتحادیه مستقیماً بر نقش آن بر این مسئله تأثیرگذار بوده است. در حالی که اتحادیه‌ی اروپا قادر بوده تا بحثی اصلی را به شکلی قوی در برابر ایران پیش ببرد اما نتوانسته است با استفاده از ابزارهای مناسب بر ایران فشار وارد کند. گفتگوهای برجام برای

مدت زمان کوتاهی چنین اهرم فشاری را فراهم ساخت اما با شکست مذاکرات در سال ۲۰۱۶ این اتحادیه وارد فاز دیگری از تجارت حداقلی و روابط سیاسی با ایران شده است که اهرم فشار اتحادیه اروپا را تقلیل داده است. حتی با ارفاق در زمینه‌ی موثر بودن نقش اتحادیه‌ی اروپا در تأثیر طولانی مدت بر دموکراتیزه ساختن ایران یا توانایی آن برای تأثیرگذاری بر مسئله‌ی کوردیها در ایران، نقش این اتحادیه بسیار محدود بوده است.

* KurdaTheEuropean Union and theKurdish IssueThe (Chapter 7)

Amnesty International. (2001). EU-Iran talks: EU must press Iran for human rights improvements in Iran. Retrieved from <https://www.amnesty.org/news/eu-iran-talks-eu-must-press-for-humanrights-improvements-in-iran-0034/> Amnesty International. (2008). Human rights abuses against the Kurdish minority. Retrieved from <https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE130882008ENGLISH.pdf> Amnesty International. (2019). Iran: Human rights in Iran: Review of 2019, 18 February 2020. Retrieved July, 2020, from <https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1318292020 ENGLISH.PDF> Council on Foreign Relations. (2015). The time of the Kurds, a CFR infoguide presentation. Retrieved from https://www.cfr.org/interactives/time-kurds#!/?cid%2Fsoc-at-the_time_of_the_kurds-infoguide EC. (2016). The conclusion of the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) in July 2015—A crucial achievement of European diplomacy—Has opened the way for a renewal of broader relations between the European Union (EU) and Iran. Retrieved from

https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/2281/iran-and-eu_en Ernst, C. (2020). Press statement concerning the situation of Nasrin Sotoudeh, Sakharov Prize Laureate 2012. European Parliament. Retrieved from https://www.europarl.europa.eu/cmsdata/211781/20200928_Situation_Nasrin_Sotoudeh_EN.pdf European Commission Directorate-General ECHO. (2015). Facts and figures Iran. Retrieved from https://ec.europa.eu/echo/where/asia-and-pacific/iran_en European External Action Service. (2018, December 11). Speech by High Representative/VicePresident Federica Mogherini at the European Parliament session on the ruling of the European Court of Human Rights on the case of Selahattin Demirtas, Strasbourg. Retrieved from https://eeas.europa.eu/headquarters/headquartershomepage/55309/speech-highrepresentativevice-president-federica-mogherini-european-parliament-plenary_en European External Action Service. (2020, April 21). Statement by the spokesperson on a recent execution of a juvenile offender in Iran, Brussels. Retrieved from https://eeas.europa.eu/delegations/gabon/77808/statement-spokesperson-recent-execution-juvenile-offender-iran_en European Parliament. (2012). Resolution of 14 June 2012 on the situation of ethnic minorities in Iran (2012/2682(RSP)). Retrieved from <https://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef -//EP//NONSGML+TA+P7-TA-2012-0265+0+DOC+PDF+V0//EN> European Parliament. (2019). Resolution of 14 March 2019 'Iran, notably the case of human rights defenders', (2019/2611(RSP)). Retrieved from https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/TA-8-2019-0204_EN.html?redirect Institut Kurde de Paris. (2017). The Kurdish population.

Retrieved from <https://www.cia.gov/library/readingroom/docs/CIA-RDP81B00401R000500080004-8.pdf> Kutschera, C. (2012). The Kurdish National Movement. Chris Kutschera. Moniquet, C. (2019, February). The recent Iranian Terrorist Plots in Europe. European Strategic Intelligence and Security Center. Natali, D. (2005). The Kurds and the state: Evolving national identity in Iraq, Turkey and Iran. Syracuse University Press. Nezan, K. (2018, November 22). Danielle Mitterrand et les Kurdes. France Libertés-Fondation Danielle Mitterrand. Retrieved from <https://www.france-libertes.org/fr/danielle-mitterrandkurdes/> References 157 Unrepresented Nations and Peoples Organization. (2014). Iranian Kurdistan: Representation in the Parliament continues, 6 January 2014, based upon Rudaw Media Network reporting. Retrieved from <https://unpo.org/article/16720> Unrepresented Nations and Peoples Organization. (2016, March 22). Iranian Kurdistan: PDKI leader reiterates commitment to peaceful struggle. Retrieved from <https://unpo.org/article/1902> 9 U.S. CIA World Factbook. (n.d.). Retrieved from <https://www.cia.gov/library/publications/resources/the-world-factbook/geos/tu.html> Van Bruinessen, M. (1991). Kurdish society and the modern state: Ethnic nationalism versus nation-building. In T. Atabaki & M. Dorleijn (Eds.), Kurdistan in search of ethnic identity (pp. 24–51). Department of Oriental Studies. Van Bruinessen, M. (2000). Transnational aspects of the Kurdish question, Robert Schuman Centre for Advanced Studies, European University Institute (Working Paper 2000/22)

پی‌نوشت

1. درحالی که ایران شمار دقیق اقلیتهای اتنیک را منتشر نمیکند، تخمینی که از جمعیت کوردهای ایران میشود حدود ۱۰٪ (کتاب

اطلاعات CIA) و ۱۲٪ تخمین منابع کوردی (انسستیتیوی کورد پاریس، ۲۰۱۷) میباشد. باید خاطر نشان کرد که در سال ۱۹۸۰، CIA شمار کوردها را ۹٪ جمعیت کل کشور تخمین زد که این تعداد تا سال ۲۰۱۵ حدود ۱٪ افزایش یافت. تفاوتها در آمار مربوط به زاد و ولد عامل این تغییر بوده است (کتاب اطلاعات جهانی CIA، آمریکا n.d).

2. جوامع کوردی قابل ملاحظه‌ای در مناطق مازندران در شمال و خراسان در شمال شرقی ایران ساکنند. در حال حاضر شمار آنها حدود یک میلیون نفر است. این جوامع بازماندگان جنگجویان کوردی هستند که در دوران صفوی به این مناطق انتقال داده شده‌اند.

3. هرچند شمار دقیق در دست نیست تصور میشود که اکثر کوردهای ایران اهل سنت باشند در حالی که درصد بالایی از یارسانها هم وجود دارند. همچنین گروههای کوچکتر کورد یهودی و بهایی نیز در ایران ساکنند.

4. اقلیتهای اتنیک از جمله عربهای اهواز، تورکهای آذری، بلوچها، کوردها و ترکمنها با تبعیض متجاوزانه‌ی روبرو هستند که دسترسی آنها به تحصیل، استخدامی و محل سکونت مناسب را محدود میکند. نادیده انگاری اقتصادی مناطق با ساکنان اقلیتی فقر و مهاجرت را افزایش میدهد. زبان فارسی تنها زبان آموزش در مقاطع ابتدایی و عالی باقی مانده است.

5. احزاب دموکرات کوردستان ایران و کومله اصلیتین احزاب سیاسی کوردی در ایران هستند. هر دوی این احزاب عضو سازمان ملتها و مردم بینماینده (UNPO) که یک سازمان قدرتمند لایبگری در بروکسل است میباشد. علاوه بر این حزب حیات آزاد در کوردستان (PJAK) که به نظر میرسد وابسته به PKK باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی اعضای کورد UNPO به این وبسایت مراجعه کنید. <https://unpo.org/members/7882>.

6. اعضای پارلمان اروپا مخصوصا اعضای حزب سوسیالیست روادارهایی را در پارلمان اروپا در ارتباط با مسئله‌ی کوردها در ایران برگزار کرده‌اند.

7. دانیل میتران همسر رئیس جمهور سابق فرانسه فرانسوا میتران روابط نزدیکی با کوردها داشت و یکی از دوستان نزدیک رهبر ترور شده‌ی حزب دموکرات کوردستان ایران، قاسملو، بود. کندال نازان رئیس انسستیتیوی کوردی در پاریس بانو میتران را از دوستان کوردها معرفی میکند (نازان، ۲۰۱۸).

8. به بهانه‌ی مذاکرات صلح جمهوری اسلامی ایران رهبر کل حزب دموکرات کوردستان ایران با نام عبدالرحمان قاسملو را در وین در تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۸۹ ترور کرد. ایران با استفاده از همان ترپرد جانشین وی یعنی صادق شرفکنندی را در رستورانی در برلین در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ ترور کرد.

9. حزبهای پژاک، دموکرات کوردستان ایران و کومله پایگاههای کوچکی در مناطق کوهستانی مرز ایران-عراق دارند. جزئیات بیشتر در گزارش زیر از سوی شبکه‌ی خبری روداو توسط UNPO منتشر شده است: <https://unpo.org/article/18555>.